

# زمینه ها و راه کارهای

## تدوین برنامه ملی تحقیقات

متن سخنرانی دکتر حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور و رئیس شورای پژوهشهای علمی کشور

در اولین نشست عمومی شورا

### بسم الله الرحمن الرحيم

درباره روش تعیین اولویتهای تحقیقاتی  
داشتم برای گروهی از همکاران شورای  
پژوهشهای کشور گفتم که چون همه  
کارها را با هم و در یک زمان، در هیچ  
نقطه ای از دنیا و نیز در ایران نمی توان  
انجام داد، بنابراین باید به انتخاب دست  
یازید و بر این اساس پس از شروع  
فعالیت مجدد شورا این مطلب از سوی  
این جانب در شورا مطرح شد و با یاری  
و همکاری اعضای شورا، حاصل کار  
تعیین اولویتها به عنوان یک پیش نویس  
در سال 73 فراهم آمد. در کنار بحث  
مربوط به اولویت و اسناد مربوط به آن،

با کوشش های گوناگونی که در چند  
سال اخیر هم از سوی وزارتخانه و  
مرکزهای دست اندرکار تحقیقات و هم  
از جانب شورای پژوهشهای علمی  
کشور به عمل آمده است، موضوع  
تحقیق به عنوان یک امر مستقل از  
آموزش و در عین حال در ارتباط با آن  
و نیز اهمیت پژوهش مورد توجه قرار  
گرفته است و در قوانین نیز تحت عنوان  
تحقیق جای خود را باز کرده و احکامی  
را برای پیشبرد کارهای مربوط به خود  
اختصاص داده است. در گفتار دیگری  
که به مناسبت شروع به کار جلسه بحث

سند دیگری را هم که دارای اهمیت اجرایی است و عنوان الگوی مصرف را دارد در اختیار داریم. این سند مصوب شورای عالی الگوی مصرف است که پس از تأیید ریاست محترم جمهوری به دستگاههای اجرایی کشور ابلاغ شده و در مواردی به مرحله اجرا درآمده است. سند مهمتر دیگر از نظر قانونی و آثار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، برنامه پنج ساله دوم است. علاوه بر اینها، برنامه های میان مدت و آینده نگریهای دستگاهها و وزارتخانههایی چون صنایع، کشاورزی و شهرداری نکته های مهمی را درباره مسائل مهم تحقیقاتی القا می کند و از همه مهمتر، اندیشه بلند مربوط به تکیه نکردن به درآمد نفت برای امور عادی و جاری کشور است که تکلیف اساسی و عمده ای را برای یافتن راههایی دیگر برای کسب درآمدهای کلان بر عهده مجریان می گذارد و روشن است که یافتن چنین راههایی بدون تحقیق - آن سان که باید و شاید - علمی نیست. این مجموعه اطلاعات، چشم انداز و میدان وسیعی از کارهای عمده و مهم تحقیقاتی را در برابر ما می گسترد

و ما را در خصوص انتخاب محورهای مهم تحقیقات به اندیشه وا می دارد. در اینجا، یادآوری دو نکته مهم بایسته است:

1- فهرست اولویتهای تحقیقاتی و به خصوص فهرست الگوهای مصرف و برنامه پنجساله که می توانند پایه راهنمای تحقیقات باشند و لزوماً به انحصار پیشنهاد کننده و خواستار تحقیقات کاربردی و یا حتی توسعه ای نیستند و با اندکی دقت در همین فهرستها الزاماتی مشاهده می شود که تنها تحقیقات بنیادی می تواند پاسخگوی واقعی و نهایی آنها و البته در فاصله زمانی متوسط و بلند باشد یعنی وقتی که ما در مورد فهرست الگوهای مصرف صحبت می کنیم و یا لزوماً اولویتهای تحقیقاتی را مطرح می کنیم با این هدف که مسائل روزمره و جاری وزارتخانهها و دستگاهها را حل بکنیم یا حتی توسعه بدهیم به این معنی است که نه تنها برنامه ها و تحقیقات توسعه بلکه تحقیقات پایه ای نیز - همان گونه که من همواره اشاره و تأکید کرده ام - اساسی است. بنابراین معلوم می شود که در

تحقیقات جنبه های تحقیق بنیادی خیلی خیلی جدی داریم که باید به عنوان تحقیق بنیادی حل شود تا اینکه احتمالاً 20 سال آینده بتوانیم کارهای جدی در زمینه های کاربردی و توسعه ای انجام بدهیم .

2- در خصوص انتخاب زمینه های تحقیقاتی، به ویژه با توجه به امکانات موجود کشور، راه حل منحصر به فرد، هماهنگی و همکاری میان دستگاه مسئول برنامه ریزی یعنی سازمان برنامه و بودجه و دستگاههای مسئول تحقیقات کشور است. به دلیل اینکه ما ایرانیها بلند نظریم و هیچ وقت حساب و کتاب نداریم و هیچ وقت هم به جیبمان نگاه نمی کنیم، حتی موقعی که اولویت می نویسم همه چیز در اولویت قرار می گیرد. علتش هم این بلندنظریها و بلند پروازیهاست یعنی یک رشته آرزو داریم که همه را ردیف می کنیم و می گوئیم اینها همه اول هستند. بعد می بینیم که خوب این همه نمی شود اول باشد و شاگرد اول یکی است. بعد آن وقت شاگرد ممتاز درست می کنیم و به همین ترتیب می آییم پایین. حالا در بعضی از

جاها این مشکلات را می توانیم حل کنیم، شاگرد اول را 5 سکه می دهیم و شاگرد ممتاز اول را 4 تا و به ترتیب تا به پنجم و بقیه را هم بالاخره یک کاری می کنیم، تا دهم و پانزدهم را راضی می کنیم. اما در اولویت تحقیقات و اولویت اجرا امکاناتمان محدود است و مجبور هستیم که اولویت اول، دوم و سوم داشته باشیم. در حال حاضر هم همین وضع را داریم یعنی در اولویتهای تحقیقاتی و الگوی مصرف و برنامه پنجساله، همه را که روی هم جمع کرده و بازبینی می کنیم به دلیل اینکه بودجه به اندازه ای که در برنامه اول پیش بینی کردیم نداریم بنابراین طوری باید درستش بکنیم. در مورد اولویتها باید اهم و مهم بکنیم. این اهم و مهم نیازمند همکاری دوجانبه است و از اینجا به بعد بحث من خطاب به دو گروه برنامه ریز تحقیقات و برنامه ریز توسعه کشور است. یعنی این که دو دستگاه باید با یکدیگر هماهنگ باشند. در این زمینه هر دو طرف باید با مسؤولیت پذیری در معنای عام و جامع آن و با توجه به یک تعهد واقعی ملی به این همکاری و هماهنگی تن بدهند. یادآوری

این نکته بجاست که ریاست هر دو طرف با رییس جمهور است. از یک طرف مسئول اصلی دستگاه برنامه ریز کشور یعنی سازمان برنامه و بودجه رئیس جمهور است و از طرف دیگر رییس جمهور با توجه به ریاستی که بر شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند، در رأس دستگاه سیاستگذار آموزش و پژوهش و فرهنگ کشور قرار دارند. بنابراین، مسئولان دیگر این دو گروه پس از رییس جمهور هستند که باید کارها و کوششها را هماهنگ کنند و بنا به تعریف و بر اساس آنچه عقل و منطق حکم می کند، یک نفر دو نظر متناقض نمی تواند داشته باشد، سازمان برنامه و بودجه اگر بخواهد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بر اساس برنامه های پنجساله به نتیجه مطلوب برسد و اصولاً برنامه را با توجه و حسابگری کامل از نتایجی که به دست می دهند مدنظر قرار دهند، باید به دو نکته توجه کند: یکی آنکه نتایج برنامه ها نباید تک تک و پراکنده یعنی به صورت طرح فرعی یعنی همان که به آن پروژه می گویند یا طرح عمده و اصلی و برنامه

و فصل و بخش دیده می شود بلکه باید به گونه یک کل جامع هماهنگ و معدل القوا مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد؛ یعنی کل نتایج برنامه توسعه باید هم دیده شود. ما از این قبلی کارها یعنی برنامه هایی که تک تک دیده می شود بسیار سراغ داریم که این مسأله بایستی به گونه ای باشد که جامعه دیده بشود. دوم آنکه، سازمان برنامه و بودجه برای کل برنامه از طریق تحویل بخشها و اجزای آن تا مرحله طرحهای فرعی نیازهای تحقیقاتی را مشخص سازد و برای گرفتن پاسخ در پی پاسخ دهنده باشد. علاوه بر این، اگر سازمان برنامه و بودجه بخواهد اعتباراتی را که برای تحقیقات به دولت و مجلس پیشنهاد می کند و به تصویب می رساند بجا هزینه شود و نتیجه ای که برای آن هزینه پیش بینی شده است با اندکی کسر و اضافه به دست آید، باید برای تحقیقات تعریف شده برنامه که توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را بر اساس آرمانها و ارزشهای مطلوب نظام اسلامی تحقق می بخشد، بودجه تعیین کند و مراکز تحقیقاتی را برای انجام دادن آن

تحقیقات فراخواند و آنها را در وظیفه‌ای که بر عهده می‌گیرند یاری کند. اگر چنین شد، سرنوشت تحقیقات و به دیگر سخن، اولویتهای تحقیقاتی با اولویتهای توسعه جامع الاطراف کشور گره می‌خورد و توسعه جامع الاطرافی که مبتنی بر توسعه آرمانی است به دست خواهد آمد و در این توسعه آرمانی مقام و موقعیتی شایسته و درخور برای کلیه ارزشهای والای اسلامی به گونه‌ای جامع، هماهنگ و معدل القوا وجود دارد و باید وجود داشته باشد. با توجه به آنچه گذشت، این سؤال مطرح می‌شود که اکنون که پذیرفته ایم و خواهیم پذیرفت که همه موضوعاتی را که به ذهن می‌رسد یکجا نمی‌توان مورد تحقیق و بررسی قرار داد و نیز جفای به کشور و مردم است که منابع مالی محدود آن را در حالی که خود نیازمند آن هستیم صرف بررسیها و پژوهشهایی کنیم که خود نمی‌توانیم از آن بهره بگیریم و از سرنوشت آنها هم به واقع آگاه نمی‌شویم؛ با توجه به اینکه پذیرفته ایم یا خواهیم پذیرفت که تحقیقاتمان راهگشای توسعه اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر آرمان کشورمان باشد؛ اگر که پذیرفته ایم می‌خواهیم بدانیم تا چه حد راه و روش در نظام تحقیقاتی کشور و موضوعات آن با این روش کار همخوانی دارد، راستی را بخواهیم، پاسخ به این پرسش خود نیازمند پژوهش میدانی است اما آنچه در اینجا می‌توان گفت آن است که برنامه‌های تحقیقاتی ما تا کنون آن گونه که باید و شاید با برنامه توسعه کشور با این روش، مورد بررسی و ارزیابی و تصمیم‌گیری واقع نشده است. البته، بعید نیست که اگر این تطبیق صورت گیرد و معلوم شود که در بسیاری از موارد مراکز تحقیقاتی کشور آماده پاسخگویی به نیازهای برنامه توسعه هستند و تحقیقاتی هم که انجام می‌دهند در همان جهت است و یا با اندکی اصلاح مسیر همان خط را پی می‌گیرد و برعکس برنامه توسعه نیز با تصحیح‌هایی که نتیجه تحقیقات در خط سیر آنها انجام می‌دهند، در خط مطلوب قرار می‌گیرد. اما به هر حال این کار باید صورت گیرد و این هماهنگی و همکاری باید بجد آغاز شود و در سریع‌ترین زمان به نتیجه

برسد. برای رسیدن به این نتیجه و همکاری و هماهنگی بین این دو سازمان که مقدمه این نتیجه هست، یعنی هماهنگی و همکاری که نتیجه اش آن کارهای منظم است، چه باید کرد؟ پیش از پرداختن به این پرسش و در دنباله مطالبی که درباره اهمیت تعیین اولویتها بیان شد، اشاره به برخی از فوایدی که تحقیقات از این دست و با این چشم انداز عرضه می کند بایسته است. اگر بتوانیم با بهره گیری از پژوهشهای تعریف شده که بنیاد و مبانی توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آرمانی کشور را استوار و مستحکم می سازد و به توسعه عادلانه و پایدار اسلامی- انسانی شتاب بخشیم و راه مبادی و اصول توسعه بعدی را هموار کنیم، بی هیچ گفتگویی موفق شده ایم که عمده ترین اموری را که مانع توسعه جامعه و هماهنگی و معدل القوا هستند شناسایی کنیم و بسیاری از آنها را در چند برنامه پنجساله تحقیق از سر راه برداریم و راه تجدید حیات تمدن اسلامی را هموار سازیم و الگوی مناسبی برای کشورهای خواهان پیشرفت به ویژه کشورهای

اسلامی عرضه کنیم. نکته مهم در این خصوص آن است که حل و فصل مسائل عمده و رفع موانع تنها و تنها حاوی صرفه جویی مادی نیست. متأسفانه وقتی که می گویند فلان کار را بکنیم بلافاصله می گویند که این مقدار ریال یا این مقدار دلار صرفه جویی می شود و اصلاً به بقیه بحث کاری ندارند و بحث را ادامه نمی دهند. چون فتوا نمی توانم بدهم در مورد جنبه شرعی قضیه چیزی نمی گویم ولی از نظر اخلاقی یک کار بسیار بسیار غلط است که ما مردم را به این اندازه پولکی کنیم. یعنی بگوییم اگر این کار را کردی دو ریال نصیب می شود. یا اگر این کار را کردی 2 میلیارد دلار نصیب می شود. همه اش جنبه مادی قضیه است بدون اینکه یک قدم آن طرفتر باشد. متأسفانه در ارزیابیهای ما هنگامی که آمار و ارقام مطرح می شود و تازه اگر درست مطرح شود، فقط وجه مادی عدد و رقم مورد توجه قرار می گیرد و مسائل و نتایج عمده ای که ندکی روی پوشیده می گیرد و مسائل و نتایج عمده ای که اندکی روی پوشیده هستند و اهمیتی چند برابر اگر

نه صد چندان از لحاظ فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی و در یک کلام انسانی معنوی دارند، مورد غفلت قرار می گیرند. حتی وجه مادی و صرفه جوییهای اعتباری و بودجه ای نیز تنها از دیدگاه مطلق اعداد و ارقام مدنظر قرار می گیرد و به این نکته توجه نمی شود که به طور مثال اگر این اعداد و ارقامی که صرفه جویی شده‌اند در زمینهٔ تعلیم و تربیت یا بهبود زندگی مردم و نظایر آنها به کار گرفته شود چه نتایج اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی در پی دارد. به هر حال، ذکر چند مورد با توجه به یادآوری بالا مطلب ما را روشنتر می کند و اهمیت هماهنگی و همکاری میان دو گروه برنامه ریز توسعه و برنامه ریز تحقیقات و تأثیر متقابل تصمیم گیریهای آنها را به یکدیگر آشکارتر سازد.

1- اگر بتوان با انجام دادن یک رشته تحقیق بنیادی، توسعه ای و کاربردی که چند وجهی نیز هستند در زمینهٔ آب و مواد غذایی از یک سو به تولید بیشتر با هزینه کمتر دست یافت- بویژه تولید بیشتر ولو با هزینه مطلوب با توجه به امکانات موجود یعنی زمینهایی که در

وضع فعلی آمادگی حاصلخیزی کافی ندارند یا آبشان اندک است یا هر دوی اینهاست یعنی هم آب کم دارند و هم حاصلخیز نیستند - و از سوی دیگر از هدر رفتن آب و مواد غذایی به طور کامل پرهیز کرد، در کار تجدید تمدن اسلامی گامی بزرگ فراپیش نهاده شده است، چرا؟ برای اینکه بحث مربوط به کمبود آب و امکانات غذایی در قرن آینده بحثی جدی است و هر جایی که نان و آب نداشته باشد نمی تواند تمدن داشته باشد. حالا ما می خواهیم تمدن اسلامی را تجدید بکنیم و باید بتوانیم زندگی بکنیم و اگر بخواهیم زندگی بکنیم دیگران به ما گندم نمی دهند و آب را هم که الان می بینیم جنگ آب درخاورمیانه از جنگ نفت دارد شدت و بحرانش بیشتر می شود. بنابراین، شما با این آب و این زمین باید برای 100 یا 150 میلیون نفر آب و غذا درست کنید. این یک تحقیق بنیادی می خواهد و این هم کارش و فرصتش الان است. ده سال دیگر معلوم نیست که ما بتوانیم چیزی داشته باشیم و آن وقت می شویم چاد و اتیوپی و گرسنگی دوباره گرفتارمان می

کند. حالا حواسمان جمع است عقل به خرج بدهیم و این کار را انجام بدهیم. اگر جامعه اسلامی ما بخواهد بدون وابستگی به کشورهای دیگر روی پای خود بایستد در این دو زمینه باید کارهای سترگی را به انجام برساند و رسیدن به نتیجه مطلوب در این زمینه، نیازمند تحقیق جدی و سریع است.

2- روشهای یادگیری و کوتاه کردن مدت تحصیل در نظام آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه، در عین حفظ و درست تر بگویم گسترش و ژرفا بخشیدن بیش از پیش آگاهیها، قدرت تحرک و سازندگی بیشتر و طولانیتری را از لحاظ زمان به نسل جوان کشور بدهد. دیگر بحث در این نیست که شما مدت را کوتاه کنید که پولی را صرفه جویی کنید، بحث در این است که مرا زودتر نجات بدهید و من فرصت بیشتری داشته باشم برای اینکه با آگاهی بیشتر در سازندگی کشور حضور پیدا بکنم. بنابراین ضروری است که در مورد روش یادگیری و مجموعه تعلیم تربیت یک فکر جدی کنیم.

3- پرداختن به رشته های جدید دانشگاهی ما را هماهنگ با تحولات علمی و عملی جهان می کند، رشته هایی است نظیر بیوتکنولوژی و مسائل مربوط به تعلیم و تربیت را - از نوعی که به آن اشاره کردیم- باید جدی گرفت. در همین زمینه از لحاظ اخلاقی، انسانی و دینی باید مسأله بیواتیک نیز برای ما از اهمیت بالایی برخوردار باشد. در جهانی که حیثیت انسانی و اصول اعتقادی ما در معرض خطر قرار گرفته است توجه به این امر بایسته است. بیواتیک زاده نگرانی بشر از پیشرفت سریع علم و تکنولوژی در دهه اخیر است. بدین معنا که بشر متوجه شده است که پیشرفت علمی امری دو بعدی و شمشیری دولبه است و در صورت کنترل نکردن آن می تواند موجب تخریب بشریت شود. بدین لحاظ، مجموعه ای از ملاحظات اخلاقی، اجتماعی و انسانی در برابر پیشرفت تحقیقات در زمینه زیست شناسی و ژنتیک به منظور حفظ شرافت انسان، آزادی افراد و اقوام و ملل، مسئولیت پذیری، همبستگی و جلوگیری از منزوی کردن و حذف افراد و اقوام



مورد نیاز است. این پیشرفت، ممکن است راه درمان برخی از بیماریها مثل سرطان و هیپاتیت را به ارمغان بیاورد و از برخی بیماریهای مورثی جلوگیری کند ولی در عین حال تبعات منفی نیز می‌تواند داشته باشد مانند منزوی ساختن افراد و یا اقوامی که پیش زمینه برخی بیماریها را دارند و یا تغییرات ژنتیک در حیوانات به صورتی که آنها را قادر سازد تا بیماریهای انسان را دارا شوند تا تحقیقات آزمایشگاهی از این رهگذر آسان شود و یا تغییرات ژنتیکی بر روی نطفه انسانی و نظایر اینها. فردی که مبدع تولید انسان در آزمایشگاه بود چند سال پیش در فرانسه به طور ناگهان اعلام کرد که تحقیقاتش را در این زمینه قطع می‌کند و علتش این است که احساس خطر می‌کند و ممکن است تغییراتی که بدین ترتیب حاصل می‌شود تغییرات بسیار جدی باشد و ژنهای انسانی و مسأله زیبانشادی رابه صورت یک مسأله عملی در بیاورد. در نتیجه، یک گروه عمده ای از انسانهای دنیا در واقع منزوی خواهند شد، یعنی قومی با یک مشخصات معین به وجود می‌آید و

اقوام دیگر انسانهای درجه دوم می‌شوند.

بنابراین، مسأله از نظر اخلاقی خیلی مهم است و از این جهت بیواتیک یک مسئله جدی است بخصوص برای محققان و پژوهشگرانی که با یک آرمان و اعتقادی سروکار دارند. چون تبعات این تحقیقات تنها متوجه کشورهای پیشرفته نیست بنابراین، تعداد قابل توجهی از کشورها، مراجع ملی را موظف به تهیه مقررات و قوانین لازم برای حفاظت نوع بشر و تدوین یک چهارچوب کار برای این گونه تحقیقات کرده اند و ما هم باید در این زمینه اقداماتی انجام دهیم.

4- در وجه اقتصادی، پرداختن به بسیاری از مسائل اقتصادی می‌تواند راهگشای ما در زمینه توسعه اقتصادی و آرمانی باشد. برای مثال، تحقیق بیشتر و ژرفانگری در زمینه بانکداری اسلامی و حضور فعال بانکهای اسلامی در اقتصاد و بازار سرمایه می‌تواند به بهره‌گیری بهینه و بدون دغدغه‌های شرعی از سرمایه‌های کوچک و نیروهای کار پراکنده بینجامد و رونق اقتصادی بی

نظیری را برای جامعه اسلامی ایران و دیگر جامعه های مسلمان فراهم آورد.

5- مسائل مربوط به جوانان از اهمیت بالایی برخوردار است و امکانات فراوانی را از لحاظ بهره گیری اقتصادی و اجتماعی و سازندگی برای جامعه جوان ما عرضه می کند.

6- از مهمترین مسائلی که در سالهای اخیر از آن غفلت کرده ایم، مسأله معماری و شهرسازی است. مبالغی را که ما حداقل در برنامه اول و دوم صرف ساخت و ساز کردیم در مقایسه با بقیه تاریخ ایران کامپیوتر نظیر است، اگر نگوییم که بی نظیر است. پلهای عظیمی هم در شهرها و هم در جاده ها ساخته شده و ساختمانهای بزرگی که ساخته ایم کم نظیر است. همه آنها هستند اما شما یک پل ندارید که یک القایی بکند؛ وقتی شما از کنار سی و سه پل رد می شوید احساس خاصی به شما دست می دهد که در مقابل هیچ یک از این پلهای با این عظمت، هم از نظر صرف هزینه و سازه و هم از لحاظ قدرت تحمل، چنین احساسی را نمی کنید. این همه ساختمان ساختیم، یکی از آنها

به اندازه مسجد آقا در کاشان یک چنین احساسی را در شما به وجود نمی آورد که این مسجد با این نکته هایی که در آن هست. ما در این دوره از مجموعه امکاناتی که داشتیم استفاده بهینه نکردیم؛ یعنی در عین اینکه داشتیم می ساختیم فکر نکردیم که اینها را زیبا بسازیم در معنایی که ما بفهمیم. این هم علتش این است که معماری برایمان جدی نبوده و در مجموعه نظام برنامه ریزی و نظام ساخت و ساز کننده کشور این مسأله به این عنوان مطرح نشده که خوب حالا این مجموعه را ما به صورت یک کل هماهنگ ببینیم و ببینیم که چه باید بکنیم، در نتیجه خیلی زیاد ساختمان ساختیم اما هیچ کدام از اینها پیامی را نمی دهد. به هر حال، این مسأله هم در شهرسازی و راهسازی و هم در مورد ساخت و ساز مهم است و بایستی به آن توجه کرد.

اکنون که روشن شد تا چه اندازه تحقیق در کار توسعه راهگشاست باید هماهنگی و همکاری میان دو گروهی را که بیشتر گفتم یعنی دستگاه برنامه ریز و تحقیقات طلب کرد. پیشنهاد ما که از

این پس بیشتر باید درباره آن اندیشه کرد و سخن گفت این است که دو طرف به گونه ای علمی مقدمات گفتگو و بررسی دو جانبه را آغاز کنند. در حال حاضر و به خصوص برای یکی دو سال آینده با توجه به اینکه تحقیقات نیمه کاره در دست داریم و نباید به هیچ دلیل و بهانه ای آنها را صرف برنامه ای که پیشنهاد می شود کرد اما می توان درصدی از آن را به این برنامه جدید اختصاص داد.

امسال یک مقداری پول از دستگاههای تحقیقاتی آزاد می شود. حالا اینها را می شود بی برنامه یا با برنامه به کار گرفت. پیشنهاد ما این است که قسمت از پولی که امسال آزاد می شود با برنامه به کار گرفته شود. ما حساب کردیم که یک درصدی را داریم منتهی این درصد را به عهده آن محققانی که باید به این مسأله برسند، می گذاریم تا ببینند چقدر آزاد می شود که برای همان قسمت برنامه ریزی کنند. اما ما یک پیش فرض خودمان داریم. برنامه جدید می تواند تحت عنوان برنامه ملی تحقیقات یا نامی از این قبیل باشد و تعدادی طرح عمده و

مهم با طرحهای فرعی تعریف شده و زمانبندی شده را در بر بگیرد. ده تا، بیست تا، پنجاه تا تحقیق عمده زیر مجموعه اش نیز تعدادی طرح که پاسخگوی نیازهای عمده توسعه کشور باشد و توسعه ای را هم که عرض کردم توسعه بنیادی است و از این قبیل مواردی که برشمردم هر کدام را به نتیجه برسانید برای چند نسل دعاگو خواهید داشت. این طرحهای عمده در آن برنامه ملی تحقیقات با عنوانی از این قبیل بیاید و در آنجا تعریف شود و طرحهای فرعی اش تعریف بشود و تکلیفش معلوم بشود. این برنامه ظرف 5 تا 7 سال یعنی پس از پایان یافتن تدریجی طرحهای کنونی می تواند بخش عمده ای از اعتبارات تحقیقات را در برگیرد. ما فکر می کنیم که مثلاً 5 یا 6 سال دیگر این تحقیقاتی را که در دست داریم تمام می شود. بنابراین، کل این اعتبارات را می توان در خط برنامه ملی تحقیقات انداخت؛ یعنی حداقل 90 درصد و 10 درصد هم برای به اصطلاح دست گرمی و کارهای متفرقه بگذاریم. برنامه ملی تحقیقات در زمینه های اصلی

توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و آرمانی کشور خواهد بود. مجری این تحقیقات مراکز عمده دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی کشور خواهند بود. ما یک جمع بندی یعنی یک فهرستی که بگیریم، 13 تا 14 مرکز عمده تحقیقاتی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی داریم و با یک نسبت کمتری در دانشگاههای علوم پزشکی هم یک چنین وضعی داریم. مجری این تحقیقات مراکز عمده دانشگاهی و مراکز عمده تحقیقاتی کشور خواهند بود که دارای امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای هستند و باید از نیروی انسانی مراکز کوچکتر نیز بهره بگیرند. مراکز کوچکتر از لحاظ تجهیزات و سایر موارد ضعیف و مقداری ناتوان هستند ولی نیروهای انسانی نسبتاً خوبی را در بسیاری از مراکز داریم. این نیروهای انسانی را برای این قسمت از تحقیقات به کار گیرند و یک دستگاه نظارتی بر جریان تحقیقات نیز باید کارها را پیگیری کند. واقعیت این است که در حال حاضر از بسیاری از نیروهای محققان استفاده

درست نمی کنیم و برای استفاده از این نیروها باید برنامه منظمی داشته باشیم. اما در مورد امکانات واقعا باید تأسف بخوریم. ما امکانات زیادی داریم. من نمی گویم امکاناتی را که داریم بسته بندی شده است. در جاهایی هنوز امکاناتی هست که بعضی از آنها مربوط به قبل از انقلاب است و از رده خارج شده و بعضی را هم یک جایی دیدیم و از آن خوشمان آمده و خریدیم و بعد هم دیگر نتوانستیم از آن استفاده بکنیم. من این قسمت را نمی گویم ولی همین آزمایشگاههای موجود ما چرا نباید 20 تا 22 ساعت کار بکنند و دو سه ساعت هم برای نظافت، جمع و جور کردن، شستن لوازم آزمایشگاهی و کارهایی از این قبیل صرف کنند. ما اگر دو یا سه نوبت محقق داشته باشیم، هیچ ضرری به آزمایشگاه وارد نمی شود. بسیاری از اینها هم هستند که دو تا عمر دارند: یک عمر تقویمی که مثلاً ده سال است و یک عمر استفاده ای. ما اگر از عمر استفاده‌ای آزمایشگاهها بهره‌ درست نبریم، عمر تقویمی هم تمام می شود و وقتی که عمر تقویمی تمام شد از بین

می‌رود. این آزمایشگاه باید ده سال کار کند، اگر 20 ساعت از آن استفاده کنند ده سال کار می‌کند و اگر دو ساعت هم از آن استفاده کنند یازده سال کار می‌کند. بعد از ده سال ظاهرش نو است ولی نمی‌شود از آن استفاده کرد. بنابراین این قسمت از امکانات را هم در این برنامه باید مدنظر قرار داد. باید راههایی اندیشیده شود؛ پیشنهاد من ایجاد مؤسساتی است که در آنها آورده دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، امکانات و تجهیزات و فضای آن به طور 24 ساعته باشد و آورده محققان علم و نیروی کارشان باشد. سازماندهی فعلی ما نمی‌تواند جوابگو باشد. اگر توقع داشته باشیم با وضعی که دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در حال حاضر دارند و بگوییم یک عده محقق در آن کار بکنند، نتیجه تحقیقاتی هم داشته باشد و از نتیجه تحقیقات در کشور هم استفاده شود و هیچ گونه پاداشی هم به این محقق ندهیم، این آقا هم نخواهد آمد. ترجیح می‌دهد برود و در خانه اش بنشیند و زندگی‌اش را بکند. دو سه ساعت هم کار می‌کند و عنوان استاد و محقق و این

حرفها را هم که دارد، دیگر بیش از این که نمی‌خواهید به این بدهید. از این جهت مهم است که ما بگوییم که این آقای محقق یا خانم محقق که تحقیق می‌کند بالاخره یک استفاده ای هم از این مجموعه تحقیق می‌برد. بنابراین، بایستی از این نیروی کاری که به کار گرفته می‌شود یک بهره ای را به محقق بدهید. ما در شرایط فعلی و در مقررات فعلی چنین اجازه ای را نداریم. تأسیسات و امکانات مراکز تحقیقاتی و تأسیسات دانشگاهی هم می‌تواند به همین صورت مورد استفاده قرار بگیرد؛ آزمایشگاهی که وجود دارد به صورت یک آورده تلقی شود و از آن طرف هم محقق علم و نیرویش را به عنوان آورده می‌آورد، نتیجه تحقیقات آن چیزی خواهد بود که کشور از آن استفاده می‌کند، یعنی مشکلات ما را حل می‌کند. این شیوه همکاری نتیجه ای برای دانشگاه دارد یک مقداری درآمد است که این را می‌تواند صرف توسعه کارهایش بکند یا چاله‌های فعلی اش را پر کند. نتیجه ای هم که برای محقق دارد این است که درآمدی دارد که می‌تواند به جای اینکه برود بیرون

درس کنکور بدهد می آید اینجا و کارش را می کند و همان پول یا نصف آن را درمی آورد و افتخار هم برایش هست. بنابراین، راهی جز این به نظر من وجود ندارد. دستگاه تحقیق کشور باید طرحی را در این زمینه ارائه کند و مجلس هم بپذیرد که امکانات موجود را در اختیار بخش تحقیقات کشور قرار بدهیم. بنابراین، راه حلی است که می توانیم از آن استفاده کنیم و برنامه ملی تحقیقات را که پیشنهاد آن داده شد یک سازمان اجرایی و یک سازمان نظارتی لازم دارد. سازمان نظارتی آن را می توانیم سریع درست کنیم اما سازمان اجرایی اش، از این راه به نظر می رسد که سریعتر به نتیجه خواهد رسید وگرنه شما می روید سراغ استادی که خسته است و حوصله ندارد و می بیند که به او بی اعتنایی نشده و زحمتهایش را مدنظر قرار نمی دهند و از لحاظ مادی هیچ به فکرش نیستند، آنجا می نشینید و می گوید بله باید این کار را کرد و نمی کند اما اگر دید در اینجا یک نتیجه ای هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ مادی، قطعاً این کار سرو سامان پیدا می کند.